

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

نویسنده: اناهیتا اردوان
فرستنده: دپلوم انجنیر نسرين معروفی
۰۷ فبروری ۲۰۲۰



۸

دومیتیلاد چونگارا

- «بگذار سخن بگویم!»

دومیتیلاد چونگارا، فعال سیاسی و کارگری، بعد از سالها مبارزه با بیماری سرطان در سن ۷۵ سالگی درگذشت. او که دختر یک کارگر معدن در بولیوی و بعدها همسرش نیز یک کارگر معدن بود، به عنوان یکی از رهبران مبارزه علیه بیعدالتی شناخته میشود. زیرا، رهبری تشکل همسران کارگر معدن را به عهده داشت. دومیتیلاد در قتل عام کارگران معدن بولیوی در سال ۱۹۷۶، زمانی که که نیروهای سرکوبگر به سوی کارگران و خانواده آنان آتش گشودند و بسیاری از کارگران، همسران و کودکان کارگران را مجروح و به قتل رساندند، توسط پلیس دستگیر شد و تحت شکنجه های وحشیانه، قرار گرفت. بدین ترتیب، به نماد مبارزه علیه ددمنشی ابزار سرکوبی دولت تبدیل گشت. او با تأکید بر این استدلال؛ «در جامعه ایی زندگی میکنیم که نه تنها دچار تبعیض طبقاتی است. بلکه، از تبعیض جنسیتی نیز در رنج است»،

دچار تبعیض طبقاتی است. بلکه، از تبعیض جنسیتی نیز در رنج است»، کارگران و همسران آنان را به مبارزه علیه بیعدالتی فرا میخواند. وی اعتقاد داشت که در جامعه، اختلافهای زیادی بین یک زن تحصیلکرده و یک زن خانه دار؛ یک زن میلیونر و یک زن کارگر معدن و در نهایت، بین زنی که همه چیز دارد و زنی که چیزی ندارد، وجود دارد.



با چنین افکاری، بیشترین دوران زندگی خود را صرف مبارزه علیه وضعیت دشوار معیشتی کارگران معدن و بستگان محروم آنان، نمود. در دوران زندگی مبارزاتی اش بسیاری از اعتصابات کارگری و اعتصاب غذای معروف «همسران کارگران معدن بولیوی» را سازماندهی و رهبری کرد. کتابی نیز پیرامون زندگی مبارزاتی وی به نام «بگذار سخن بگویم» منتشر شده است. هنگامیکه دومیتلا در ۲۴ ژوئن ۱۹۶۷ دستگیر شد، هشت ماهه باردار بود. علی رغم بارداری، مدتها در سلول تاریکی، بدون دسترسی به خوراک و آب آشامیدنی، حبس گردید و در همان سلول تحت شکنجه های وحشتناک قرار گرفت. خوشبختانه، فرزند وی سالم به دنیا آمد. ولی سایه سنگین جراحتهای و عوارض شکنجه ها همواره بر بدن و روح و روان عدالت خواه وی باقی ماند.



جستاره هایی از دومیتیلاد چونگارا:

- «خواست من و مردمم براندازی نظامی است که در آن عزت و کرامت انسانها برابر سکه ایی ناچیز است»

- «مبارزه ما از عنفوان کودکی و در گهواره آغاز میشود و تا آخرین لحظات حیات تداوم می یابد».

- «نیمی از جامعه "به عنوان زن سنتی" از مشارکت در پی افکندن جامعه باز میماند. حاصل آن زیانی جبران ناپذیر است که متوجه ملل تحت ستم میشود»

- «روزی نیست که از مردمان چیزی نیاموزم. به آنها نگاه میکنم و چه فرزاندگی هایی را در آنها کشف میکنم. آنچه را که میدانم و هر چه که هستم، مدیون آنها هستم. به خصوص شهادت را مردم به من آموختند»

- «جدایی بین من و مردمم امکانپذیر نیست. وقتی از خانه و کاشانه ام آواره شدم، دلم یک پارچه اشک بود. از جایی بیرونم می انداختند که پدر در پدر به خاطرش جان داده بودیم. از سرزمین آبا و اجدادی آواره امان میکنند. ما در کشور خودمان نیز بیگانه هستیم»

- «رفقا، دشمن ما تنها امپریالیسم و بوروکراسی نیست، بلکه ترسی است که در درونمان، با خود حمل میکنیم»

راشل کوری

«راشل کوری» در شانزدهم مارس ۲۰۰۳، در غزه اشغال شده، راشل کوری، ۲۳ ساله از شهر المپیا از ایالت واشینگتن، توسط راننده بلدوزر اسرائیلی به قتل رسید.



راشل کوری فعال سیاسی آمریکایی و عضو جنبش همبستگی بین المللی، علیه تخریب غیرقانونی اماکن مسکونی فلسطینیها به صورت داوطلب، همراه دیگر اعضای «آی. ام. اس» در غزه فعالیت میکرد. راشل و هفت نفر از فعالان صلح و اعضای جنبش بین المللی همبستگی، برای جلوگیری از تخریب غیرقانونی خانه های فلسطینیها در هایس السلام حضور پیدا کردند، در این محل دو تانک و بلدوزر اسرائیلی نیز مستقر بودند. راشل همراه با دوستش در ابتدا شروع به بازی موش و گربه میکنند و بدین ترتیب، با رساندن خود به خانه فلسطینیها، برای انسداد مسیر حرکت بلدوزرها به تلاش میپردازند.



به گفته شاهدان فلسطینی در پانزده مارس ۲۰۰۳، راننده بلدوزر از حضور راشل کوری در مقابل خانه ها آگاهی کامل داشتند ولی در ابتدا شروع به ریختن ریگ و سنگهای سنگین به روی وی میکنند و آنقدر با بلدوزر به تن وی فشار می آورند تا راشل به زمین افتاده و راننده بلدوزر پاها و دستها و در انتها جمجمه وی را در زیر بلدوزر خرد مینماید. بر طبق این گزارش، یکی

دیگر از اعضای «آی. اس. ام» نیز همراه با راشل در تلاش برای ممانعت از تخریب خانه ها، توسط بلدوزر اسرائیلی مجروح میشود که ملیت وی مجهول میماند.

بر اساس گفته شاهدان عینی، راشل دو بار بر اثر بلدوزر از منطقه رانده میشود، وی کاملاً در دید راننده قرارداشت و هیچ عمل تحریک آمیز یا خشونت باری از سوی راشل انجام نشد. بنا بر گزارش هماهنگ کننده «آی. ام. اس»، مایکل شایک، مقاومت راشل در مقابل بلدوزرهای اسرائیلی، که قصد تخریب غیرقانونی خانه های فلسطینیها را داشتند، دو ساعت به طول انجامید. برای مأموران اسرائیلی، که در آنجا حضور داشتند و راننده بلدوزر، کاملاً واضح و مشخص بود که راشل و دیگر فعالان صلح اسلحه ایی به همراه ندارند. به رغم این که مقامات اسرائیلی تلاش کردند قتل راشل کوری را حادثه اعلام کنند، ولی شاهدان عینی تأکید دارند که ادعای مقامات اسرائیلی غیرواقعی و کذب محض است. آنها اصرار می ورزند که راشل در مسیر بلدوزر از تغییر مسیر و توقف امتناع کرد، وی از قلوه سنگ ها بال رفت و همانطور که به راننده چشم دوخته بود کابشن فلورسنت خود را به تن کرد، اما راننده با بی اعتنائی به راشل به مسیر رانندگی خود ادامه داد تا آنجا که راشل را به زیر ستونی از قلوه سنگ و خاک کشاند و بعد از این که راشل از دیدگان همه محو شد، راننده بلدوزر اسرائیلی به پیشروی ادامه داد تا آنجا که بلدوزر به طور کامل بر روی بدن راشل قرارگرفت. در این هنگام، راننده حتی تیغه بلدوزر را بلند نکرد و استخوانهای راشل زیر تیغه بلدوزر خرد شد. پس از اینکه راننده بلدوزر عقب رفت، دوستان راشل به طرف پیکر خون آلود وی دویدند و بدن نیمه جانش را بیرون کشیدند و راشل را با آمبولانس به بیمارستان النجر رساندند. متأسفانه، تلاش برای زنده نگاهداشتن وی ناموفق ماند و راشل در شانزده مارس ۲۰۰۳، برای دفاع از حقوق مردم فلسطین و صلح، در بیمارستان جان سپرد.



بلدوزرهای اسرائیلی به مثابه نمادی از اراده سیاسی، کالبد نحیف راشل کوری را زیر گرفتند تا ثابت کنند شقاوت دولتها، قدرتمندتر از انسانگرایی دختری عمل میکند که حاضر است جان خود را فدا سازد تا ثابت کند زندگی قویتر از مرگ است. استخوانهای راشل در بیست و سه سالگی، زیر بلدوزرهای اسرائیلی خرد شد. اما، خاطره ایی ماندگار از مقاومت و پایداری به مثابه یکی از جنبه های مبارزه در درازنای تاریخ بشر، از خود بر جای گذاشت.

ادامه دارد